

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ «انقلاب شیر و خورشید»، نامی برای فاصله گرفتن از گذار تدریجی؟

محمد ضرغامی

کمتر از یک دقیقه پیش



تجمع اعتراضی گروهی از ایرانیان در واشنگتن

ترکیبی از سرکوب اعتراضات، بحران اقتصادی، جنگ، کاهش سرمایه اجتماعی و فرسایش امید عمومی، از نگاه سعید مدنی، پژوهشگر، به شکل‌گیری یک «ترومای (آسیب) ملی» در ایران انجامیده است.

او در نامه‌ای به آصف بیات، نویسنده و پژوهشگر، می‌نویسد اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ اگر در مسیر یک جنبش اجتماعی درون‌زا و خشونت‌پرهیز باقی می‌ماند، می‌توانست با هزینه انسانی کمتر به گذار دموکراتیک کمک کند. مدنی با نقد راهبردهایی مانند جنگ، کودتا و خشونت، بر تقویت جامعه مدنی، طبقه متوسط و حرکت تدریجی به سوی دموکراسی تأکید می‌کند.

در برنامه رادیویی «پاراگراف اول»، وحید پوراستاد همکار رادیو فردا در گفتاری نگاهی دارد به آخرین نوشته سعید مدنی و در ادامه، جلال ایجادي جامعه‌شناس زیست‌بوم‌گرا در پاریس و داریوش محمدپور کارشناس مطالعات سیاسی و اجتماعی در لندن درباره پیامدهای اعتراضات دی‌ماه، جنگ و آینده تغییرات سیاسی در ایران به گفت‌وگو پرداخته‌اند.



↓ لینک مستقیم ✓

↗ بازکردن در پنجره جدید

ایران در مرحله گسست یا فرسایش اجتماعی؟

جلال ایجادی معتقد است ایران وارد مرحله‌ای تازه از «گسست اجتماعی» شده و دو دوره تاریخی، یعنی باور به جمهوری اسلامی و امید به اصلاح‌طلبی، به پایان رسیده است. از نظر او، اعتراضات دی‌ماه و جنبش «زن، زندگی، آزادی» نشانه این گسست هستند و جامعه به سمت عبور از جمهوری اسلامی حرکت می‌کند.

داریوش محمدپور در مقابل می‌گوید جامعه ایران را نمی‌توان تنها به دو قطب حکومت و اپوزیسیون تقسیم کرد، زیرا بخش بزرگی از جامعه که میان این دو قرار دارد، معمولاً نادیده گرفته می‌شود.

او فرسایش طبقه متوسط را فقط نتیجه عملکرد جمهوری اسلامی نمی‌داند و معتقد است تحریم‌ها و بخشی از اپوزیسیون خارج از کشور نیز در تضعیف این طبقه نقش داشته‌اند.

به گفته او، برخی جریان‌های مخالف حکومت، به‌ویژه بخشی از پادشاهی‌خواهان، با ارائه تصویری ساده از تغییر سیاسی، انتظاراتی غیرواقعی ایجاد کرده‌اند.

جلال ایجادی با این تحلیل موافق نیست و تأکید می‌کند مسئولیت اصلی بحران‌های اقتصادی و اجتماعی بر عهده جمهوری اسلامی است.

او می‌گوید هرچند اپوزیسیون سال‌ها ارتباط سازمان‌یافته‌ای با جنبش‌های داخل نداشت، اما در سال‌های اخیر، به‌ویژه جریان نزدیک به شاهزاده رضا پهلوی، بر بخشی از جامعه اثر گذاشته است.

«انقلاب شیر و خورشید؟»

جلال ایجادی اعتراض‌های موسوم به «زن، زندگی، آزادی» و اعتراض‌های دی‌ماه ۱۴۰۴ را که جریان پادشاهی‌خواه از آن با عنوان «انقلاب شیر و خورشید» نام می‌برد را ادامه یک روند اعتراضی می‌داند.

از نگاه او، مضمون مشترک این دو حرکت، نفی جمهوری اسلامی، مخالفت با اسلام سیاسی و حرکت به سوی سکولاریسم و دموکراسی است.

او تأکید می‌کند که «انقلاب شیر و خورشید» بیش از آن‌که به بازگشت سلطنت یا نماد شیر و خورشید محدود باشد، بیانگر گسستی تاریخی از جمهوری اسلامی و انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و تأکید بر آزادی و دموکراسی است.

اما داریوش محمدپور معتقد است «زن، زندگی، آزادی» جنبشی اجتماعی با محوریت مطالبات زنان بود که بعدها جریان‌های سیاسی، از جمله پادشاهی‌خواهان، تلاش کردند آن را به نفع خود بازتعریف کنند.

او می‌گوید جریان پادشاهی‌خواه با تغییر چارچوب معنایی جنبش و طرح شعارهایی مانند «مرد، میهن، آبادی»، از ماهیت زن‌محور آن فاصله گرفت.

آقای محمدپور همچنین با اشاره به حضور پرچم‌های اسرائیل و آمریکا در برخی تجمع‌های مرتبط با اعتراضات دی‌ماه در خارج از ایران، این موضوع را نشانه پیوند بخشی از جریان پادشاهی‌خواه با سیاست‌های خارجی می‌داند.

در مقابل، جلال ایجادی این تحلیل را ساده‌سازی دانسته و می‌گوید نسبت دادن گرایش معترضان به حمایت مستقیم از آمریکا یا دیگر قدرت‌های خارجی، روایتی ایدئولوژیک است.

خطر دفاع از اقدام مسلحانه در برابر تغییر تدریجی

جلال ایجادی با رد امکان گذار تدریجی در ساختار جمهوری اسلامی، معتقد است که همه راه‌های تغییر سیاسی، از جمله شکل‌های مختلف مبارزه، همچنان پیش روی مخالفان حکومت قرار دارد.

او با وجود مخالفت با مداخله نظامی خارجی، می‌گوید شرایط ناشی از درگیری‌های منطقه‌ای و فشارهای سیاسی می‌تواند زمینه رشد گرایش‌های مبارزه مسلحانه را، چه در میان برخی نیروهای داخل کشور و چه در میان بخشی از نیروهای نظامی، افزایش دهد.

داریوش محمدپور این بخش از دیدگاه آقای ایجادی را خطرناک می‌داند و تأکید می‌کند که بحث مبارزه مسلحانه صرفاً یک موضوع نظری یا سیاسی نیست، بلکه مستقیماً با جان و امنیت مردم ارتباط دارد.

او می‌گوید جامعه ایران تجربه هزینه‌های خشونت را دارد و حکومتی که ابزارهای قدرت، نیروهای امنیتی و نظامی را در اختیار دارد، هر حرکت مسلحانه‌ای را با شدیدترین شکل ممکن سرکوب خواهد کرد.

محمدپور تأکید می‌کند که وظیفه پژوهشگر علوم سیاسی، تحلیل شرایط و پیامدهای تصمیم‌هاست، نه ارائه توصیه‌های سیاسی که می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای مردم داشته باشد.

از نگاه او، تغییر پایدار سیاسی حتی در سخت‌ترین نظام‌ها، بدون صبر، گفت‌وگو، مذاکره و یافتن راه‌هایی برای همزیستی اجتماعی امکان‌پذیر نیست.

این مطلب بخشی از:

پاراگراف اول

فراتر از خبر

بایگانی

ایران